ارزش مطالعه در زندگی

(از دیدگاه اهل سنت)



نویسنده :دکتر راغب سرجانی
مترجم : عبدالرحمن زمان پور

بسم الله الرحمن الرحيم

ارزش مطالعه در زندگی

تألیف: دکتر راغب سرجانی
ترجمه: عبدالرحمن زمانپور

شیراز
انتشارات ایلاف

سرشناسه	:سرجاني، راغب، ۱۹۶۴-
عنوان قراردادی	:القراءه منهج حياه .فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:ارزش مطالعه در زندگی/راغب سرجانی ؛ ترجمه عبدالرحمن زمانپور
مشخصات نشر	:شیراز: ایلاف، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	:۴۸ص.
شابک	:۱۰۰۰۰ ریال978-964-198-047-6:
وضعیت فهرست نویسی	:فیپا
یادداشت	:این کتاب ترجمه مقاله‌ای تحت عنوان "القراءه منهج حیاه" است.
موضوع	:کتاب و مواد خواندنی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	:دانش و دانش‌اندوزی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
شناسه افزوده	:زمان‌پور، عبدالرحمن، ۱۳۵۵ - ، مترجم
رده بندی کنگره	:BP ۲۵٤۱٤ ۱۳۸۸ ۴۰۴۱ق۴س/
رده بندی دیویی	:۲۹۷/۶۵۳
شماره کتابشناسی ملی	:۱۹۵۵۰۹۱



بولوار زند، جنب بانک ملی شعبه کوثر، پاساژ صاحب‌الزمان، تلفن: ۲۳۰۵٦٤۰

www.ilaf.ir

نام کتاب: ارزش مطالعه در زندگی

تألیف: دکتر راغب سرجانی

مترجم: عبدالرحمن زمان پور

ناشر: ایلاف

طرح جلد: گروه طراحی هفت

تیراژ: ۳۰۰۰

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۸۸

لیتوگرافی: پردیس

چاپ و صحافی: فخر ایران

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

شابک: ۶-۰۴۷-۱۹۸-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978- 964-198-047-6

مختصری از شرح حال مؤلف:

دکتر راغب سرجانی در سال ۱۹۶۴ میلادی در استان غربی مصر متولد شد. در سال ۱۹۸۸ با درجه‌ی ممتاز از دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه قاهره فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۹۹۲ میلادی از دانشگاه قاهره به مدرک فوق لیساس دست یافت. در سال ۱۹۹۸ در رشته‌ی جراح مجاری ادرار و کلیه موفق به اخذ رتبه‌ی دکترا شد. او اکنون استادیار دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه قاهره است. دکتر راغب سرجانی از شخصیت‌های بارز اخوان المسلمین مصر به شمار می‌رود. دکتر راغب موفق شد در سال ۱۹۹۱ حفظ قرآن کریم را کامل کند.

استاد به قضایای امت اسلامی و مشکلات مختلفش از نقطه نظر تاریخ اسلامی توجه ویژه‌ای دارد و از درس و عبرت‌های تاریخی جهت اصلاح امت استفاده می‌کند. دکتر در مطالعات تاریخی‌اش به چند نقطه‌ی مهم توجه دارد:

۱- عوامل برپایی نهضت اسلامی در مراحل مختلف تاریخ و نهایت استفاده از آن در بنای دوباره‌ی امت اسلامی امروز.

۲- دمیدن روح امید در نفوس مسلمانان و به ویژه جوانان در ممکن بودن خیزش دوباره‌ی امت اسلامی و بیرون آوردن امت اسلامی از وضعیت نامطلوب فعلی با توجه به وضعیت مشابه در تاریخ پرفراز و نشیب امت اسلامی.

۳- نشان دادن چهره‌ی حقیقی تاریخ اسلامی با ممیزات آن به عنوان فرهنگی بی‌نظیر در اخلاق انسانی و رفتاری و علمی و زیباشناسی بر خلاف آنچه بسیاری برآنند که تاریخی مملو از درگیری است و فقط به جوانب سیاسی پرداخته‌اند.

ایشان طی بیست سال ارتباط عمیق با گنجینه‌های تاریخ اسلامی و طی تعداد زیادی کشورهای جهان در آمریکای شمالی و اروپا و مصر و کشورهای خلیج آثار ارزشمندی به امت اسلامی هدیه نموده است، از سخنرانی، کتاب، مقالات، تحلیل‌های تاریخی و واقعیت اسلامی. تاکنون ۱۸ کتاب در زمینه‌ی تاریخ و فکر اسلامی از ایشان چاپ شده است و در چندین شبکه‌ی ماهواره‌ای برنامه تقدیم می‌کند. و دارای صدها نوار سخنرانی است از جمله:

اندلس از فتح تا سقوط دوازده سخنرانی

فلسطین تا اندلسی دیگر نشود دوازده سخنرانی

ابوبکر صدیق ﷺ دوست و خلیفه‌ی رسول الله ﷺ شش سخنرانی

ابوبکر صدیق ﷺ و حوادث سقیفه، شش سخنرانی

در پرتو سیرت نبوی (دوران مکی و مدنی) ۴۶ سخنرانی

داستان تاتار از ابتدا تا عین جالوت دوازده سخنرانی

همچون صحابی باش، دوازده سخنرانی

چگونه عالِم می‌شوی؟ ده سخنرانی

کتاب‌های استاد دکتر راغب سرجانی به شرح زیر است:

۱. داستان جنگ‌های صلیبی، بین تاریخ و واقعیت (دو جلد)

۲. داستان علوم پزشکی و تمدن اسلامی

۳. وظیفه‌ی امت در قبال فلسطین

۴. علم و بنای امت‌ها
۵. داستان تاتار از ابتدا تا عین جالوت
۶. تو و فلسطین
۷. چه کسی خریدار بهشت است؟
۸. در زمان ابرهه نیستیم
۹. کیفیت محافظت بر نماز صبح
۱۰. چگونه قرآن حفظ کنید؟
۱۱. امتی که نمی‌میرد
۱۲. اگر یاری‌اش ندهید
۱۳. مطالعه برنامه‌ی زندگی است
۱۴. نامه‌ای به جوانان امت
۱۵. فلسطین ضایع نخواهد شد
۱۶. شکنجه در زندان‌های آزادی
۱۷. رمضان و ساختار امت
۱۸. حج فقط برای حجاج نیست
۱۹. قطع رابطه، برادر پزشکم قطع رابطه کن

عبدالرحمن زمان‌پور (مدرسه‌ی دینی سلطان العلماء رویدر)

إنّ الحمد لله نحمده و نستعينه و نستهديه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور أنفسنا و سيئات أعمالنا إنّه من يهده الله فلا مضلّ له و من يضلل فلا هادی له و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريک له و أشهد أن محمّداً عبده و رسوله.

أما بعد:

از بعضی مردم زیاد می‌شنویم که می‌گویند به چه علاقه داری؟

و می‌بینیم که جواب‌ها خیلی متفاوت است. یکی مـی‌گویـد: بـه شنا کردن علاقه دارم. دیگریِ می‌گوید: به صید ماهی علاقـه دارم و سومی می‌گوید: به سفر و گشت و گذار علاقـه‌منـدم. هـر انسـانی از علاقه‌مندی‌اش می‌گوید و چه بسا علاقه‌ی این فرد با دیگری تفاوت داشته باشد، ولی بعضی‌ها می‌گویند به مطالعه علاقه دارم. به نظـرم این چیز عجیبی است که کسی بگوید به مطالعه علاقه دارم.

آیا صحیح است کسی بگوید بـه نوشـیدن آب علاقـه دارم؟ زیـرا همه‌ی مردم آب می‌نوشند. بنابراین آب نوشیدن علاقه نیست، بلکـه ضرورت است. همین طور صحیح نیسـت کسـی بگویـد بـه خـوردن علاقه دارم. چرا؟ زیرا خوردن ضرورت است و علاقه نیسـت. همـه‌ی مردم گرسنه می‌شوند و بایستی بخورند. شـاید بـه غـذایی بـیش‌تـر علاقه داشته باشی؛ این درست، ولی امتناع از خـوردن یـا تـنفس - بدون شک - باعث هلاکت انسان می‌گردد، زیـرا ایـن چیزهـا بـرای زندگی هر انسانی ضروری است.

به نظر بنده مطالعه نیز برای هر انسانی ضروری است.

مطالعه‌ی یکی، دو تا کتاب، یا یک روز در هفته، یا یک ماه در سال کافی نیست، بلکه بایستی مطالعه برنامه‌ی زندگی‌ات باشد.

هیچ روزی نباید بدون مطالعه بگذرد و هر مطالعه‌ای هم منظور نیست، بلکه مطالعه‌ی مفید و سودمند منظور است. مطالعه‌ی سازنده نه ویرانگر و مطالعه‌ی اصلاح‌کننده نه تباه‌کننده.

بنابراین مطالعه علاقه نیست. از همین رو مناسب نیست بشنویم کسی بگوید: به مطالعه علاقه‌ای ندارم، یا به مطالعه عادت نکرده‌ام، یا زود از مطالعه کردن خسته می‌شوم. این مثل آن است که کسی بگوید: زود از خوردن خسته می‌شوم، به همین سبب غذا نمی‌خورم.

اگر بعضی از جوانب سیرت نبوی را مورد تأمل قرار دهید، می‌بینید که به قضیه‌ی مطالعه و خواندن اهمیت زیادی داده شده است و آنگاه هیچ شگفتی در این سخن من نمی‌بینید که می‌گویم: «مطالعه علاقه نیست، بلکه عملاً برنامه‌ی زندگی است.».

به عنوان مثال می‌خواهم اولین نزول جبرئیل علیه السلام بر رسول الله صلی الله علیه وسلم را مورد تدبر قرار دهید. آیا کلمه‌ی عظیمی که با آن وحی بر رسول الله ﷺ آغاز شد - کلمه‌ی إِقْرأْ - جای تدبر و اندیشیدن ندارد! ممکن بود وحی با هر کلمه‌ی دیگری شروع شود، ولی این قرآنی که نزولش ۲۳ سال ادامه یافت با همین کلمه‌ی "إِقْرأْ" شروع شد.

با این که پیامبر ﷺ درس‌ناخوانده بود و خواندن بلد نبود اما این کلمه رو به او بود. در حالی که رسول الله ﷺ به هزاران ارزش‌های ستوده و ویژگی‌های زیبا آراسته بود و ممکن بود که قرآن سخن خود را با یکی از آن صفات شروع کند، ولی وحی خطابش به

خاتم پیامبران را با امری صریح و مستقیم شروع کرد که در یک کلمه مختصر شده و برنامه‌ی زندگی امت اسلام را به همراه دارد.

از آن جا که رسول الله ﷺ نمی‌دانست چگونه بخواند و چه بخواند واضح و روشن جواب داد: خواندن بلد نیستم. و گمان کرد که همین کلمه کافی است تا جبرئیل سخن خود را از موضوع دیگری شروع کند یا این که منظورش را توضیح دهد، ولی جبرئیل سخت رسول الله ﷺ را می‌فشارد تا این که ایشان به سختی می‌افتد، اما جبرئیل دوباره امر مختصر "إقرأ" را برای او تکرار می‌کند.

جبرئیل در این مرحله فقط به همین یک کلمه اکتفا می‌کند و رسول الله ﷺ نمی‌داند منظور جبرئیل چیست و چه می‌خواهد؟ حتی نمی‌داند او کیست و چگونه به این مکان راه یافته است؟ ایشان در برابر خود شخص غریبی می‌بینند که فقط بر یک کلمه تأکید دارد، إقرأ. برای همین در بار دوم می‌گوید: خواندن بلد نیستم و جبرئیل دوباره پیامبر را سخت می‌فشارد تا این که وی دچار مشکل می‌شود. برای بار سوم جبرئیل به او می‌گوید: اقرأ، و پیامبر پاسخ می‌دهد بلد نیستم. بعد از بار سوم که او را می‌فشارد و رهایش می‌کند، می‌گوید: ﴿ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ ۝١ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِنۡ عَلَقٍ ۝٢ ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ ۝٣ ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ ۝٤ عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ ۝٥﴾

همه‌ی این‌ها پیش از آن است که جبرئیل علیه السلام به رسول الله ﷺ بگوید که او فرشته‌ای است که از جانب پروردگار جهانیان

فرستاده شده و او یعنی سرورمان محمد ﷺ رسول الله است و این سخن، قرآن است.

و پیش از آن است که بگوید این دین جدید، همان اسلام است. پیش از همه‌ی این‌ها با صیغه‌ی امر به او می‌گوید: اقرأ، بخوان. آیا این تعبیرها اشاره‌ای برای امت اسلامی در بر ندارد؟

آیا معقول است نخستین کلمات قرآن که به زمین می‌رسد از علاقه‌ای سخن بگوید که ممکن است بعضی‌ها آن را دوست داشته باشند و بعضی‌ها از آن متنفر باشند یا بعضی دیگر از آن خسته شوند؟

قرآن بیش از ۷۷ هزار کلمه است و از بین این دریای کلمات، کلمه‌ی "اقرأ" اولین کلمه‌ای است که نازل می‌شود. همچنین در قرآن هزاران امر وجود دارد، مثل **"أَقِمِ الصَّلاةَ"** (نماز را برپا دار)، **"آتوا الزَّكاةَ"** (زکات بدهید)، **"و جاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللهِ"** (در راه الله جهاد کنید)، **"وأْمُرْ بالْمَعروفِ"** (به معروف امر کن) **"اِنْهَ عَنِ الْمُنكَر"** (از منکر نهی کن)، **"اِصْبِرْ عَلَى ما أَصابَكَ"** (در مقابل آنچه به تو می رسد صبر کن)، **"أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْناكُم"** (از آنچه روزی‌تان داده‌ایم انفاق کنید)، **"توبوا إلي الله"** (به سوی الله برگردید) و امرهای دیگر که در قرآن کریم بسیار است، ولی از بین همه‌ی این فعل‌های امر، اولین امری که نازل می‌شود إقرأ است.

مسأله‌ی قرائت به همین کلمات اولیه محدود نمانده است، بلکه پنج آیه‌ی اول از قرآن کریم همه به موضوع قرائت پرداخته و کلمه‌ی اقرأ دوبار در آن تکرار شده است: ﴿ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ ۝١ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِنۡ عَلَقٍ ۝٢﴾ و بعد از آن: ﴿ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ ۝٣﴾ سپس

می‌فرماید: ﴿ٱلَّذِى عَلَّمَ بِٱلْقَلَمِ ۝٤﴾ و قلم را به طور خاص ذکر می‌کند تا مسأله کاملاً روشن باشد که منظور همان خواندن چیزی است که با قلم نوشته شده است، بدون این که به کنایه بگوید یا احتمالات مجازی مطرح شود.

بعد از این می‌توانیم بپرسیم: چرا مطالعه می‌کنیم؟ آیا مطالعه وسیله است یا هدف؟

خواندن وسیله است. ما می‌خوانیم تا بیاموزیم. الله عزوجل در پنج آیه‌ی نخستین از قرآن‌کریم این مسأله را روشن ساخته است. فرمود: ﴿ٱقْرَأْ وَرَبُّكَ ٱلْأَكْرَمُ ۝٣ ٱلَّذِى عَلَّمَ بِٱلْقَلَمِ ۝٤ عَلَّمَ ٱلْإِنسَٰنَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝٥﴾

اگر چه هدف از خواندن علم آموختن است، اما الله عزوجل قرآن را با کلمه‌ی "تَعَلَّم" شروع نکرد، بلکه به طور دقیق از اقرأ استفاده کرد. شکی نیست که برای آموزش راه‌های زیادی وجود دارد مثل شنیدن، دیدن، آزمایش و تجربه، ولی بزرگ‌ترین وسیله در زمینه‌ی آموزش، خواندن و مطالعه کردن است. گویا الله عزوجل به ما می‌آموزد که هر چند وسایل آموزش متعدد باشد، خواندن لازم است. الله عزوجل در این آیات پنجگانه دو ضابطه‌ی مهم برای خواندن تعیین می‌کند:

اول فرمود: ﴿ٱقْرَأْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلَّذِى خَلَقَ ۝١﴾ بنابراین بایستی خواندن با نام الله باشد و خواندن آنچه الله را به خشم می‌آورد یا آنچه از آن نهی نموده، جایز نیست، بلکه منظور خواندنی است که

برای الله عزوجل باشد، و خواندن مطابق منهج الله عزوجل باشد. خواندن به نفع زمین و بشر و برای خیر دنیا و آخرت باشد، اما خواندن بیهوده یا منحرف یا گمراهانه یا گمراه‌کننده، این‌ها خواندنی نیست که الله عزوجل در قول "اقرأ باسم ربّک الذی خلق" به آن امر نموده است. این ضابطه‌ی مهمی است.

دوم این که مطالعه و علم‌آموزی تو را از دایره‌ی تواضع خارج نکند (به همین جهت به خلقت انسان از علق پرداخته است) و به سبب علمی که آموخته‌ای دچار تکبر نشوی، بلکه همیشه یادت باشد که الله عزوجل است که با علم و قرائت بر تو منت نهاده است. ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ ﴿٣﴾ ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ ﴿٥﴾ «بخوان و پروردگارت کریم‌ترین است. کسی که با قلم آموخت؛ [او همان کسی است که] انسان را آنچه نمی‌دانست آموخت. اگر خواننده یا متعلم به بالاترین درجات علمی در زمان خود برسد نباید این معنی از ذهنش غایب شود، بلکه باید بداند که الله عزوجل بوده که به او علم آموخته است. الله متعال می‌فرماید: وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿٢٨٢﴾ «و از خدا پروا کنید و خدا [بدین گونه] به شما آموزش می‌دهد و خدا بر هر چیزی داناست.» [البقره: ۸۲] و می‌فرماید: وَمَآ أُوتِيتُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ إِلَّا قَلِيلٗا : «مقداری اندک از علم داده شده‌اید.» بنابراین با معلوماتت بر کسانی که از آن معلومات برخوردار نیستند تکبر مورز.

وحی اولیه برنامه‌ای درست برای علم‌آموزی و استفاده از آن برایمان ترسیم می‌کند که باید اعتراف کنیم که نعمت علم از جانب الله است. همچنین باید توان علمی و مطالعه را در جهتی به کار گیریم که رضایت الله به دنبال داشته باشد.

این صفحه‌ی درخشان سیرت نبوی را که ورق بزنیم صحنه‌ی دیگری را می‌بینیم که نسبت به زمانی که در آن رخ داده و در مقایسه با سایر زمان‌ها حتی زمان ما بسیار جالب و شگفت‌آور است، صحنه‌ی فدیه‌ی اسیران جنگ بدر.

رسول الله ﷺ از اسیر مشرک می‌خواست برای آزادسازی خود ده تن از مسلمانان را خواندن و نوشتن بیاموزد! این چیز بسیار شگفتی است، به ویژه در آن زمانی که بی‌سوادی منتشر و فراگیر بود. ولی خواندن و نوشتن و علم‌آموزی برای هر امتی که خواهان نهضت، پیشرفت و توسعه باشد نیازهایی ضروری است.

اگر به وضعیت مسلمانان در ایام جنگ بدر نگاه کنیم می‌بینیم که آنان به اموال نیازمندند، همچنین نیاز دارند که اسیران را نگه دارند تا به قریش فشار وارد کنند، یا اسیران را نگه دارند تا هرگاه مسلمانی اسیر شد به تبادل اسیران بپردازند، ولی رسول الله ﷺ به چیزی که از همه مهم‌تر است می‌اندیشد، و آن این که به مسلمانان خواندن را بیاموزد. این نکته‌ی مهمی در اندیشه‌ی رسول الله ﷺ است، کسی که می‌خواهد امت اسلام را به شکلی متکامل بنیان گذارد. حتی صحابی‌ای که توان خواندن داشت را بر دیگر اصحاب مقدم می‌شمرد. به زید بن ثابت رضی الله عنه نگاه کنید که بر بسیاری از اصحاب مقدم شمرده شده است و به شکلی تقریباً دائمی در کنار

رسول الله ﷺ بود، زیرا خواندن و نوشتن را خوب می‌دانست، در نتیجه کاتب وحی شده بود و نامه‌های پیامبر را می‌نوشت و به سریانی و عبری ترجمه می‌کرد. همه‌ی این کارها را انجام می‌داد در حالی که سنش فقط سیزده سال بود.

همه می‌دانیم که ابوهریره ﷜ چه حافظه‌ای داشت. از همه‌ی اصحاب بیش‌تر احادیث رسول الله ﷺ را حفظ داشت. از زبان خودش بشنویم چنان که در صحیح بخاری آمده است: «هیچ یک از اصحاب پیامبر ﷺ بیش‌تر از من حدیث حفظ نداشت.»، ولی با این حال، درجه‌ی عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما را از خودش بالاتر می‌دانست، چرا؟ زیرا او می‌خواند و می‌نوشت. ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: «بجز روایات عبدالله بن عمرو...، زیرا او می‌نوشت ولی من نمی‌نوشتم.»

به خاطر این گونه مواضع و امثال آن است که علاقه به خواندن در دل‌های مسلمانان کاشته شده و کتابخانه‌های اسلامی در طول تاریخ اسلامی جزء بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهان به شمار می‌رفته است، بلکه حتا به طور مطلق و برای قرون متوالی کتابخانه‌ی اسلامی، بزرگ‌ترین کتابخانه در سطح جهان بوده است. نظیر کتابخانه‌های بغداد، قرطبه، اشبیلیه، غرناطه، قاهره، دمشق، طرابلس، مدینه و قدس. تاریخی بسیار طولانی از فرهنگ، تمدن و علم. ارزش خواندن و مطالعه در میزان اسلامی و در تاریخ اسلامی این گونه است.

با همه‌ی این تاریخ درخشان و این همه ارزش، امت اسلامی - با کمال تأسف - امروزه از بی‌سوادی شدید رنج می‌برد. عقب‌گردی

حقیقی در امت قرآن. عقب‌گرد در امتی که اولین کلمه در قانون اساسی‌اش "اقرأ" بوده و خواهد بود.

آمار بی‌سوادی کامل - کسانی که به کلی خواندن و نوشتن بلد نیستند - در بین ملت‌های مسلمان به ۳۷ درصد می‌رسد.

با این بی‌سوادی شدید، کشورهای اسلامی برای امر آموزش کم‌تر از ۴ درصد از سود ناخالص ملی خود هزینه می‌کنند. این بدین معناست که خواندن و نوشتن به کلی محل توجه و اهتمام نیست. این مشکلی بسیار خطرناک است که نیاز به بررسی و تأمل دارد. این مقدار ۳۷ درصد همان آمار بی‌سوادی‌ای است که برای همگان واضح و روشن است، ولی غیر از این بی‌سوادی، مراتب بیش‌تری از بی‌سوادی غیرمستقیم نیز در این امت وجود دارد.

مراتبی از بی‌سوادی نزد افرادی وجود دارد که خواندن و نوشتن را خوب بلدند، بلکه چه بسا بعضی‌ها تحصیلات دانشگاهی نیز به پایان رسانده‌اند؛ چه بسا افرادی که در خواندن و نوشتن، تاریخی طولانی داشته باشند، ولی از چیزهای زیاد و بسیار مهمی که در دنیای مردم رخ می‌دهد بی‌خبرند. افراد دیگری نیز هستند که از نظر دینی بی‌سوادند.

شخص استاد دانشگاه است - بعد از برگشت از سفر عمره - از یکی از همکارانش می‌پرسد: در تشهد باید چه بگوییم؟ آیا باید فاتحه را بخوانیم؟ این استاد دانشگاه است!

خانمی نیز که استاد دانشگاه است می‌گوید: همراه شوهرش در خانه نماز جماعت می‌خواند، گاهی شوهر و گاهی او امام می‌شوند!

این اشتباهات در نماز رخ می‌دهد که ستون دین است! تا چه رسد به امور دیگر! حقیقتاً این یک نوع بی‌سوادی شرم‌آور است.

مسابقه‌ای بین جوانان دانشگاهی برگزار شد؛ یکی از سؤالات این بود که: خلفای راشدین را به ترتیب نام ببرید؟ متأسفانه هیچ کدام جواب بلد نبودند!

بعضی‌ها از نظر سیاسی بی‌سوادند؛ از حوادث پیرامون‌شان در دنیا و کیفیت روند امور بی‌خبرند. نمی‌دانند در فلسطین و عراق چه می‌گذرد. نمی‌دانند در آمریکا و اروپا چه می‌گذرد، بلکه حتی نمی‌دانند در کشورشان چه می‌گذرد.

بعضی دیگر از نظر آشنایی با قانون بی‌سوادند. حقوق و وظایف قانونی خود را نمی‌دانند. و زمینه‌های دیگر نیز بر این‌ها قیاس بگیر.

امروزه مردم مطالعه‌ای که زندگی سالمی را برایشان تضمین کند نیز ندارند، بگذریم از تحصیل علم و مطالعه‌ی تخصصی و فرهنگ پیشرفته... این نوعی واپس‌گرایی فرهنگی خطرناکی است.

کلید قیام این امت، همان کلمه‌ی "إقرأ" است. بدون خواندن و مطالعه امکان قیام امت وجود ندارد. از این رو یکی از مسؤولان یهودی می‌گوید: ما از امت عرب نمی‌ترسیم، زیرا امت عرب نه می‌خواند و نه مطالعه می‌کند. در حقیقت این یهودی دروغگو راست گفته است. امتی که نمی‌خواند امتی بی‌هیبت است و کسی از او هراس ندارد.

مشکل دیگری که وجود دارد این است که بسیاری از جوانانی که وقت زیادی صرف مطالعه می‌کنند کتاب خوبی را مطالعه انتخاب نمی‌کنند. بعضی‌ها روزانه ساعت‌ها وقت خود را به مطالعه‌ی ده‌ها صفحه اخبار ورزشی یا هنری یا خواندن داستان‌های عاطفی و

رمان‌های عاشقانه و پلیسی تباه می‌کنند. اینان عملاً حروف و کلمات زیادی را می‌خوانند، ولی بدون هیچ نفعی. ساعت‌ها، روزها، ماه‌ها و سال‌ها می‌گذرد ولی بعد از این همه خواندن چه؟هیچ!

این امر بسیار خطرناکی است؛ وقتی ذات خواندن و مطالعه از اهمیت بسزایی برخوردار است، موضوعی که باید مطالعه شود نیز از جایگاه خاصی برخوردار است. بنابراین ما دو مشکل اساسی داریم:

مشکل نخست: این که بعضی مردم به مطالعه عادت نکرده‌اند و زود از مطالعه خسته می‌شوند و هر بار که اهتمام ورزند و شروع به مطالعه کنند دوباره دچار کسالت و خستگی می‌شوند. این گونه افراد به وسایلی نیاز دارند که در مطالعه و استمرار بر آن به آنان کمک کند.

اما مشکل دوم: این است که بعضی دیگر از مردم عملاً مطالعه می‌کنند و اوقات زیادی را به مطالعه می‌گذرانند، ولی از مطالعه هدف معینی را دنبال نمی‌کنند و برای این که مطالعه‌شان سودمند و مفید باشد نمی‌دانند چه چیزهایی مطالعه کنند. این گونه افراد نیاز دارند که راهنمایی شوند تا موضوعاتی که سودمندتر و مفیدتر است مطالعه کنند. خواهیم کوشید در صفحات آینده به این دو مشکل بپردازیم، والله المستعان.

چگونه به مطالعه علاقه‌مند شوم؟

ده وسیله‌ی مهم وجود دارد که اگر آن‌ها را به کار بندی خداوند کمکت خواهد کرد تا به خواندن و مطالعه علاقه‌مند شوی:

۱. این وسیله که به طور کلی مهم‌ترین وسیله به شمار می‌آید، عبارت است از داشتن نیت و هدف.

هدف از خواندن و مطالعه چیست؟ برای چه مطالعه می‌کنی؟

من مطالعه می‌کنم، زیرا الله عزوجل مرا به خواندن امر کرده است و به من و به همه‌ی مسلمانان با صیغه‌ی امر مستقیم و صریح گفته است: "إقرأ" و از این رو خواندن و مطالعه کردنم به منزله‌ی اطاعت از پروردگارم است.

مطالعه می‌کنم تا در دنیا و آخرت به خود نفع رسانم. در دنیا و نیز در آخرت بدون علم موفقیت و رستگاری حاصل نخواهد شد.

می‌خوانم و مطالعه می‌کنم تا به افراد پیرامونم: مادر، پدر، فرزندان، برادران، خواهران، خویشاوندان، دوستان و کسانی که می‌شناسم و نمی‌شناسم نفع برسانم، همچون حمل‌کننده‌ی مُشک باشم که هر کس از کنارش بگذرد از بوی خوشش استشمام می‌کند و نفع می‌برد.

می‌خوانم تا به امتم نفع برسانم، زیرا امتی که نخواند و مطالعه نکند - چنان که پیش از این اشاره شد - امتی بی‌هیبت و بی‌شکوه است و کسی به آن‌ها اهمیت نمی‌دهد و از قافله‌ی پیشرفت عقب می‌ماند و باید دنباله‌رو دیگران باشد، به این منظور می‌خوانم تا امتم را پیشتاز همه‌ی امت‌ها بگردانم.

تو با خواندن، پروردگار جهانیان را از خود راضی می‌کنی و به خود و کسانی که دوستشان داری و نیز به امتت نفع می‌رسانی. شکی نیست که این انگیزه‌های بزرگ شور و علاقه‌ات را به مطالعه بر می‌انگیزاند.

وقتی این نیت در ذهنت باشد ضوابطی که در ابتدای سوره‌ی علق ذکر شد نیز از یاد نخواهی برد، بنابراین تو به نام الله مطالعه می‌کنی و می‌خوانی، پس بایستی خواندنت در این سطح باشد؛ همچنین به سبب مطالعه و علمت بر دیگران تکبر نمی‌ورزی، زیرا تو می‌دانی که الله عزوجل بر تو منت نهاده و فضل او باعث شده مطالعه کنی و علم بیاموزی.

بنابراین نیت و تعیین هدف، اولین و مهم‌ترین وسیله جهت کمک به مطالعه است و با چنگ زدن به این وسیله چیزهای بسیار مهمی برایت محقق خواهد شد، از جمله در ازای هر علم سودمندی که می‌خوانی اجر و ثواب به دست می‌آوری و در مقابل هر حرفی که مطالعه می‌کنی یک نیکی برایت حساب خواهد شد، و چون از خواندنت هدفی والا داری خوب در ذهنت راسخ و ثابت می‌ماند؛ همچنین از آنچه می‌خوانی به طور حقیقی لذت می‌بری، نه تنها از علوم شرعی بلکه از همه‌ی علوم؛ بنابراین کسی که در زمینه‌ی سیاست مطالعه می‌کند یا در زمینه‌ی تاریخ و اقتصاد همه از مطالعات خود لذت می‌برند.

همچنین دانشجویان از درس خواندنشان لذت می‌برند، و بدین وسیله مشکل پدران و معلمان با فرزندان و دانش‌آموزان از بین خواهد رفت؛ بنابراین به جای فشار آوردن پدران و معلمان به دانش‌آموزان، لازم است آنان را به درستی به سوی بازنگری در نیت

و تعیین هدف راهنمایی کنند تا که روزها و ماه‌ها و سال‌ها تلف نشود و بعد از شانزده یا هفده سال دانشجو فارغ‌التحصیل می‌شود ولی از سواد مطلوبی برخوردار نیست!

واقعاً مصیبت است که هدف از مطالعه نادیده گرفته شود؛ متخصصان علم مدیریت همیشه تأکید دارند که برای موفقیت‌آمیز بودن هر برنامه‌ای در زندگی پیش از هر کاری نخست باید در آن هدف به طور واضح و شفاف مشخص شود.

۲. از وسایلی که به مطالعه‌کردن کمک می‌کند این است که برای خواندن و مطالعه برنامه‌ریزی کنی، زیرا برای مطالعه‌ی بدون برنامه انگیزه‌ای وجود ندارد. لازم است برنامه‌ی روشنی برای مطالعه داشته باشی؛ و برای این که این برنامه درست باشد باید به امکاناتی که در اختیار داری، وقتی که برای مطالعه در نظر گرفته‌ای، کتاب‌هایی که در نظر داری مطالعه کنی، توانت در فراگیری آن علوم، توجه کافی و دقیق داشته باشی.

همچنین باید بدانی که برای چه مطالعه می‌کنی؟

بعد از شناخت هر یک از این عناصر در پرتو امکانات و توان خود برنامه‌ریزی کن، مثلاً طی شش ماه آینده این پنج کتاب را مطالعه خواهم کرد، یا این بیست کتاب را طی یکی دو سال آینده مطالعه خواهم کرد. بر این اساس که اول فلان کتاب را طی این مدت و بعد فلان کتاب را طی این مدت مطالعه کنم. لازم است خیلی خوب به برنامه‌ی خود پایبند باشی و جز در حالت ضرورت آن را تغییر ندهی؛ چه بسا در ابتدا در برنامه‌ریزی خسته شوی، ولی هرگاه سخت به آن پایبند شوی موفق خواهی شد. در برنامه‌ریزی خود

میانه‌رو باش. صحیح نیست که برای مدتی کوتاه خواندن ده‌ها کتاب را تعیین کنی که در اجرای آن موفق نگردی و چه بسا نا امید شوی، همچنین اختصاص وقت زیاد به چند کتاب اندک نیز صحیح نیست، بلکه ضایع ساختن وقت است.

بایستی پس از هر چند ماه توقفی داشته باشی تا نتیجه‌ی مطالعه‌ی گذشته خود را بررسی نمایی. از خود بپرسی آیا در برنامه‌ات واقعگرا بوده‌ای یا خطاهایی وجود داشته است؟ در صورتی که نتیجه‌ی مطلوب به دست نیامده باشد، آیا به دلیل ناکارآمد بودن برنامه بوده یا موانعی وجود داشته است که به بررسی و ایجاد وسایل مقاومت و درمان نیاز دارد؟ که إن شاء الله این بررسی و ارزش‌گذاری مستمر از عوامل موفقیت برنامه‌ات خواهد شد. بنابراین بعد از تعیین هدف، برنامه‌ریزی دومین وسیله‌ای است که در مطالعه به شما کمک می‌کند.

۳. تعیین وقتی ثابت و مشخص برای مطالعه و بهره‌برداری از اوقات فراغتی که میان آن‌ها پیش می‌آید.

یعنی این که منتظر نباشی روز تمام شود و آخر روز آن قسمت تعیین شده را مطالعه کنی، بلکه برای خودت وقتی معین مشخص کن و بهترین وقت را برای مطالعه انتخاب کن و سعی کن وقتی انتخاب کنی که ذهنت در آن قدرت فعالیت داشته باشد و در آن راحت باشی تا بتوانی در مطالعه تمرکز حواس داشته باشی و نتیجه‌ی مفیدی به دست آوری.

ممکن است مثلاً وقت مطالعه بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید باشد، یا یک ساعت پیش از غروب، یا بین مغرب و عشاء، یا بلافاصله بعد از عشاء... و بدین ترتیب وقت معینی برای مطالعه در نظر بگیر.

همچنین شایسته است از اوقات فراغتی که از میان وقتی تا وقت دیگر پیش می‌آید کمال استفاده را برد؛ می‌شود از آن برای مطالعه استفاده کرد. در ارتباطات یا در فروشگاه، وقتی که مشتری وجود ندارد، یا در مطب یا در دفتر کارت که برای انجام دادن کاری منتظر هستی و... . بدین ترتیب در فاصله‌هایی که پیش می‌آید اوقات زیادی هست که می‌شود با مطالعه بهترین استفاده را از آن برد. بایستی همیشه کتابت همراهت باشد و به مجرد دست دادن فرصت کتابت را بگشایی و مطالعه کنی. می‌بینی بر عکس گذشته، برکت روز بیش‌تر شده و طولانی و گسترده می‌گردد.

۴. این وسیله از اهمیت خاصی برخوردار است و آن تبعیت از روش گام به گام است.

بعضی‌ها وقتی این چند سطر در اهمیت مطالعه را می‌خوانند شور و شوقشان شعله‌ور شده و همتشان بالا می‌گیرد و به سرعت مجموعه‌ای از کتاب‌ها را خریداری می‌کنند و فوری به خواندن آن می‌پردازند و اوقاتی طولانی را به خواندن اختصاص می‌دهند و چه بسا اوقات مطالعه‌شان بر اعمال مهم دیگر در زندگی غالب شود! به چنین کسانی می‌گوییم گام به گام حرکت کن. زیرا به فرموده‌ی رسول الله ﷺ : «این دین محکم و استوار است پس با نرمی در آن پیش رو.» به ویژه اگر به مطالعه عادت نکرده‌ای و اگر نه بعد از مدتی خسته خواهی شد و چه بسا از مطالعه باز ایستی؛ باید مثل دونده‌ی ماراتن باشی که مسافت طولانی می‌دود ولی با آرامی و راحتی شروع می‌کند، سپس به تدریج گام‌هایش را بیشتر می‌کند. مطالعه نیز این گونه است، چون راهش طولانی است، زیرا برنامه‌ی

زندگی است و چون آن را برنامه‌ی زندگی‌ات قرار داده‌ای پس باید با فکر و تعقل شروع کنی تا به اذن الهی به مقصد برسی.

[رهرو آن نیست که گهی تند گهی خسته رود
رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود]

۵. جدّیّت

همان گونه که در ابتدا تأکید نمودیم، مطالعه میل و علاقه نیست بلکه عملی بسیار مهم و جدی است، و به فکر، وقت، مال، تلاش و از خودگذشتگی نیازمند است. باید موضوع را جدی گرفت، چون تو می‌خوانی تا همه‌ی کلمات را خوب بفهمی. می‌خوانی تا فایده برسانی و فایده ببری؛ بنابراین مطالعه کاری بس بزرگ است و به مقداری بهره می‌بری که خوب در آن تعقل و اندیشه کنی.

خواننده‌ی عزیز! نصیحتم به شما این است که هنگام مطالعه‌ی هر کتابی با همان دقت و همتی بخوانی که به قصد امتحان دادن می‌خوانی و فقط یک مطالعه‌ی گذرا و سطحی نباشد؛ هربار که چیزی را مطالعه کردی مطالب مهم را برای خود یاد داشت کن، مثلاً نکته‌ای را که می‌خواهی یادت بماند و برای برادران و دوستانت بازگو کنی یادداشت کن. نکته‌ی دیگری هست که آن را خوب نمی‌فهمی؛ آن را نیز یادداشت کن تا از یکی از متخصصان سؤال کنی. در هر جایی که کتابی را مطالعه می‌کنی، در آن عناصر مهم موضوعی وجود دارد؛ به نکته‌ای که در یکی از کتاب‌ها می‌خوانی اعتراض داری؛ همه‌ی این موارد را در دفتری که همیشه هنگام مطالعه همراهت هست یادداشت کن؛ اگر به این روش پایبند باشی

شکی نیست که همیشه در همه‌ی آنچه می‌خوانی دارای فهم و تمرکز لازم خواهی بود و عملاً به امکانات و توانمندی‌های زیادی که داری پی خواهی برد و استفاده‌ات چندین برابر آنچه فکر می‌کردی افزون خواهد شد. برای پی بردن به معنی حقیقی جدیت مورد نظر، می‌توانی به داستان‌های صحابه و تابعین و علمای اسلامی نظیر داستان زید بن ثابت، عبدالله بن عباس، امام شافعی، احمد بن حنبل، خوارزمی، جابر بن حیان رحمهم الله در این مراجعه کنید و روش و موضع‌گیری‌هایشان در مطالعه و تحصیل علوم را ببینی تا یقین حاصل کنی که توانمندی‌های بشر خیلی بالاتر از آن چیزی است که خیال می‌کنی؛ پاک و منزه است خدا که انسان را آفرید و سپس او را سامان بخشید.[1]

۶. دسته‌بندی اطلاعات و رعایت نظم در هر چیز

نظم و ترتیب در هر چیزی مطلوب است، پس بکوش در تمام زندگی‌ات منظم باشی. وقتی که بعد از مطالعه‌ی عمیق و دقیق به ثبت معلومات در دفتر ویژه‌ات می‌پردازی، معلومات را پراکنده ثبت نکن، زیرا مسلمان در کارهای خود منظم است. باید دفتری داشته باشی برای یادداشت علوم شرعی، دفتری برای علوم سیاسی، دفتری برای مطالعات ادبی، دفتری برای مطالعات تاریخی و به همین ترتیب... اگر تخصصت بیش‌تر است این دفترها را با تفصیل بیش‌تر به اقسام دیگری نامگذاری کن، و همه را در مکان معینی از خانه یا

---

[1] . در این زمینه می‌توانید به کتاب "ارزش وقت نزد علمای اسلامی"، تألیف عبدالفتاح ابو غده، ترجمه و شرح شیخ محمد علی خالدی، شیراز، انتشارات ایلاف مراجعه فرمایید.

کتابخانه‌ی خصوصی‌ات قرار ده تا به آسانی بتوانی به هرکدام که خواستی مراجعه کنی، و هرگاه بخواهی بتوانی نکات دیگر را به آن بیافزایی؛ این کار باعث تباه نشدن وقت و تلاشت می‌شود. این روش دقیق نه تنها به وقت و خانه‌ات نظم می‌بخشد، بلکه عقلت را نیز منظم خواهد کرد. بعضی از مردم را می‌بینید که به کلی منظم نیستند، بدون دقت و ترتیبی نکته‌ای را از شرق و نکته‌ای را از غرب می‌آورند، در حالی که دیگرانی را می‌بینید که معلومات و اطلاعاتشان را به خوبی دسته‌بندی و مرتب ساخته‌اند که این نشان از منظم بودن عقلشان دارد. این گونه افراد هر چیزی را بعد از محاسبه‌ی دقیق انجام می‌دهند و از اهدافشان دور نمی‌شوند و زیاد از موضوع خارج نمی‌شوند؛ این کار جز با تمرین و ممارست ممکن نیست و فوایدش بی‌شمار است.

بنده اکنون بعضی از سخنرانی‌های خود را از روی برگه‌هایی که بیش از ده، پانزده سال قبل نوشته‌ام القا می‌کنم؛ به این برگه‌ها نگاه می‌کنم، چیزهایی را به آن می‌افزایم و سخنرانی می‌کنم.

سخنرانی‌ای که ده سال پیش انجام داده‌ام، اکنون ده یا بیست سخنرانی شده و چیزی از آن کم نمی‌شود، بلکه بر عکس اضافه می‌شود. این افزایش پس از فضل الهی از فضل نظم و ترتیب و دسته‌بندی است؛ این‌ها افزون بر راحتی روانی است که نظم به زندگی شما و زندگی کسانی که با شما هستند می‌بخشد.

۷. تشکیل کتابخانه‌ای متنوع در خانه

این برنامه را از مهم‌ترین برنامه‌های زندگی‌ات قرار ده. همان طور که زن و شوهر به فکر این هستند که اتاق خواب و پذیرایی داشته

باشند، باید به فکر کتابخانه‌ای برای منزل نیز باشند؛ این کار مهم نباید به عنوان کار دست دوم به آن نگاه کرد و جزء تجملات هم نیست، بلکه چیزی اساسی در خانه است. مهم نیست که کتابخانه پر زرق و برق یا مجلل با قفسه‌های آب طلایی باشد، ولی مهم است که چه کتاب‌هایی داشته باشد. شایسته است برنامه‌ای واضح برای خرید مجموعه کتاب‌های مهم در ذهنت باشد. این سخن فقط رو به ثروتمندان نیست، بلکه برای فقرا و ثروتمندان به طور یکسان است، زیرا هر گاه انسان به اهمیت چیزی پی ببرد بدون شک از خورد و خوراکش می‌زند تا آن را بخرد؛ چه بسا انسان برای یک وعده غذا قیمت چهار، پنج کتاب بپردازد، و چه بسا با قیمت ده کتاب یک پیراهن بخرد، و چه بسا در یک سفر هفتگی به اندازه‌ی خرید یک کتابخانه خرج کند.

اگر این موضوع ذهنت را مشغول کرده می‌توانی کتابخانه‌ای متنوع و فراگیر از انواع علوم تشکیل دهی، هرچند در هر زمینه‌ای از علوم یک کتاب بیش‌تر نداشته باشد تا هرگاه به کتابی در زمینه‌ی خاصی نیاز پیدا کردی، داشته باشی و چنانچه از مطالعه در یک زمینه خسته شدی، کتاب دیگری در زمینه‌ی دیگر در آن پیدا کنی. این کتابخانه‌ای که تشکیل می‌دهی از صدقه‌های مهم جاری به شمار می‌آید، زیرا به خودت و فرزندانت و چه بسا نوادگانت و نوادگانشان بعد از آن نفع می‌رساند.

"**به ... با... و از...**" این‌ها وسایل هشتم، نهم و دهم هستند که عبارتند از ارتباط میان تو دیگران.

۸. آنچه مطالعه می‌کنی "**به**" دیگران منتقل کن.

رسول الله ﷺ می فرماید: (بَلِّغُوا عَنِّي وَلَو آيَةً): «از من به مردم برسانید، اگر چه یک آیه باشد.» بنابراین از انسان خواسته شده است تا آنچه را یاد گرفت به دیگران برساند، که در این کار فواید بی‌شمار و منافع عظیمی نهفته است. از جمله تثبیت علم در ذهن، فایده رساندن به دیگران با یاد دادن آن، یاددهنده مثل اجر یادگیرنده به دست می‌آورد، بدون این که از اجر یادگیرنده چیزی کاسته شود؛ افزون بر آن الله عزوجل در علمش برکت می‌اندازد. همیشه این قول را که از گذشتگان نقل شده به خاطر داشته باش: (مَن عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ أَورَثَهُ اللهُ عِلْمَ ما لَمْ يَعلَمْ): «کسی که به آنچه می‌داند عمل کند، خداوند علم آنچه نمی‌داند نصیبش می‌گرداند.» بنابراین هر مقدار که به مردم چیزی بیاموزی الله علمت را می‌افزاید: وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾ «و از خدا پروا کنید و خدا [بدین گونه] به شما آموزش می‌دهد و خدا بر هر چیزی داناست.» [البقره: ۸۲]

۹. "با" دوستان و برادرانت در خواندن و مطالعه همکاری کن.

اگر سه، چهار و پنج نفر هستید، با دوستانت مجموعه‌ای تشکیل دهید؛ هر کدام در زمینه‌ای مطالعه کند؛ هفته‌ای یک‌بار یا دوبار، یا هر دو هفته‌ای یک‌بار با هم می‌نشینید، هر طور که شرایط و موقعیت اجازه دهد و هر یک از شما آنچه را که خوانده به دوستانش عرضه می‌کند و به شکل منظم و پربار تبادل معلومات صورت می‌گیرد؛ چون مطالعه‌ی جمعی از فردی پربارتر است و بدین صورت هر یک از شما دیگری را مجهز به اطلاعات و معلومات خود می‌سازد و دستش را می‌گیرد و به خیر و نفع راهنمایی‌اش می‌کند و شیطان

نمی‌تواند بر شما غلبه کند، زیرا او با انسان تنهاست و از دو نفر دور است تا چه برسد به سه یا پنج نفر!

۱۰. نقل "از" علما است.

در وسیله‌ی هشتم علم را "**به**" کسانی که نمی‌دانستند انتقال می‌دادی، و در وسیله‌ی نهم برای تحصیل علم و تشویق به مطالعه "**با**" دوستان و برادرانت همکاری می‌کردی، اما اکنون علم را "**از**" دانشمندان، متخصصان و اهل تجربه نقل می‌کنی. باید از آن جایی که دیگران به آن خاتمه داده‌اند شروع کنی و از متخصصان بپرسی: که چه را مطالعه کنی؟ و از کدام کتاب شروع کنی؟ و بهترین کتاب در این موضوع کدام است؟ و اگر در یک موضوع کتابی خوانده‌ای، بپرس بعدش چه بخوانی؟ و بدین صورت...

در بسیاری موارد انسان وقت زیادی را به مطالعه‌ی کتاب غیر مفید می‌گذراند، یا به مطالعه‌ی کتابی دشوار، در حالی که کتاب آسان‌تر از آن وجود دارد یا به مطالعه‌ی کتابی سطحی می‌پردازد، در حالی که کتاب عمیق‌تر وجود دارد.

علمای گذشته چنان‌که می دانیم علم را از دیگران می آموختند و از آن جایی که گذشتگانشان به پایان برده بودند، شروع می‌کردند؛ به همین دلیل خود نهایت استفاده را بردند و به دیگران نفع رسانیدند؛ هیچ یک از آنان در یادگیری و تلاش در طلب علم و پرسیدن از دیگران تکبر نداشتند؛ نزد کسانی که از خودشان آگاه‌تر بودند تواضع نشان می‌دادند که این امر به وضوح در داستان ائمه‌ی بزرگ و علمای ارزشمندی چون بخاری، نووی، ابن قیم و دیگر بزرگان آشکار است. در سایه‌ی نقل علوم دیگران و افزودن بر آن و

توسعه‌ی آن بود که به این درجه‌ی علمی رسیدند، در نتیجه الله هدایتشان نمود و نسل‌های متوالی را به دست آنان هدایت کرد.

این ده وسیله‌ی یاد شده می‌تواند در زمینه‌ی مطالعه به انسان کمک کند و مطالعه‌اش را استمرار بخشد و از آن بهره برد و در آن تمرکز داشته باشد؛ شکی نیست که وسایل دیگری نیز وجود دارد، ولی این‌جا به این مقدار بسنده می‌کنیم، والله المستعان.

چه چیز را مطالعه کنم؟

به فرض این که قصد مطالعه داشته باشم و بخواهم یکی از اهداف مطالعه را محقق سازم و شور و اراده‌ی لازم را جهت رسیدن به هدف نیز داشته باشم. سؤالی که به قوت مطرح می‌شود این است: چه چیز را مطالعه کنم؟ بیایید با هم بیاندیشیم چه چیز را مطالعه کنیم؟

شاید بعضی‌ها در ابتدا تصور کنند که زمینه‌های مختلفی از علوم دینی را ذکر خواهم کرد، ولی به این افراد می‌گویم: منظورم از برنامه‌ی مطالعه این نیست؛ مسلمان انسان متوازنی است؛ برای متوازن باقی ماندن نیاز دارد در زمینه‌های مختلفی مطالعه کند. اسلام در هر نقطه از نقاط زندگی ما نقش دارد، از این رو هر مطالعه در هر زمینه‌ی مفید در دنیا، در میزان اسلام هم مطالعه‌ای سودمند و مطلوب به شمار می‌آید.

بیایید ده زمینه را مشخص کنیم که در آن‌ها مطالعه کنیم؛ طبیعی است که این زمینه‌ها فقط تعیین کردن چیزهایی است که باید آن را مطالعه کنیم، و این یک نوع شروع به کار است که هر کس بر اساس توانایی و نیاز خود بهره خواهد برد.

زمینه‌ی اول: اولین، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کلماتی را که می‌خوانیم، کلمات قرآن کریم است. قرآن کریم، تنها به مجرد یک کتاب نیست که یک‌بار یا دوبار آن را بخوانید. قرآن کریم قانون اساسی اخلاق است؛ لازم است خواندنش به صورت مستمر و با تمرکز انجام گیرد. علماء گفته‌اند: بر هر مسلمانی واجب است که بکوشد هر ماه یا کم‌تر از آن یک‌بار قرآن را دور کند. بنابراین بایستی در برنامه‌ی روزانه‌ات خواندن قرآن کریم جایگاه روشنی داشته باشد.

سخن یادشده اهمیت خاصی پیدا می‌کند، از این جهت که بسیاری از کسانی که به بررسی و مطالعه‌ی علوم مختلف می‌پردازند از قرائت قرآن غافل می‌مانند، که این مشکل خطرناکی است. الله عزوجل از لطف و رحمتش ما را به خواندن قرآن، قانون اساسی‌مان، تشویق می‌کند، به این صورت که در مقابل هر حرفی که می‌خوانیم به ما یک حسنه و نیکی می‌بخشد، سپس آن نیکی را ده برابر می‌گرداند؛ این چیز عجیبی است، زیرا یک حرف به تنهایی معنای کاملی ندارد، بلکه برای کامل شدن فهم معنی باید یک کلمه تشکیل شود؛ ممکن بود که الله عزوجل در مقابل هر کلمه‌ای یک نیکی ببخشد ولی الله متعال از باب کرمش پاداش بنده را در مقابل هر حرفی که می‌خواند قرار داده است، و خود رسول الله ﷺ بر این معنا تأکید می‌کند تا معنای دیگری از آن فهمیده نشود. در سنن ترمذی با سندش از عبدالله بن مسعود روایت است که رسول الله ﷺ می‌فرماید: (**مَنْ قَرَأَ حَرْفاً مِنْ كِتابِ اللهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ، وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثالِهَا.. لا أَقُولُ (ألم) حَرْفٌ، ولكِنْ أَلِفٌ حَرْفٌ، و لامٌ حَرْفٌ، و مِيمٌ حَرْفٌ**): «کسی که یک حرف از کتاب الله را بخواند در مقابل آن یک نیکی دارد، و آن نیکی ده برابر می‌شود، نمی‌گویم (الم) یک حرف است، بلکه الف یک حرف و لام یک حرف و میم یک حرف است.» بنابراین اولین چیزی که به خواندنش اهتمام می‌ورزیم قرآن است.

زمینه‌ی دوم: این زمینه نیز که از اهمیت زیادی برخوردار است احادیث رسول الله ﷺ است. در حقیقت این مصدر، گرچه از اهمیت زیادی برخوردار است و بعد از قرآن دومین مصدر قانونگذاری به شمار می‌رود، اما در این زمینه نیز قصور می‌ورزیم،

این در حالی است که الله متعال به رسـول الله ﷺ کلمـات جـامع بخشیده است؛ به این معنی که کلماتی کوتاهی که می‌گوید، حـاوی معانی بسیار عمیق و وسیعی است و با خواندن یـک حـدیث بسـیار کوتاه به مقدار زیادی از علم، معرفت و حکمت دست می‌یابید.

بسیاری از ما گاهی قرآن می‌خوانند، ولی بسیار اندکند کسـانی کـه چشم و عقل خود را از کلمات رسول الله ﷺ بهره‌مند سازند، حتی اگر یکی از ما آن را بخواند چه بسا که آن را به شـکلی سـطحی و نـامنظم می‌خواند. ما می‌خواهیم خواندن احادیث شریف نبوی جزیی اساسـی از شخصیت شما باشد.

هرگاه روزانه یکی دو حدیث از احادیث شریف نبوی را بخـوانی و بر بعضی معانی آن‌ها اطلاع یابی، حجم معلوماتت بسیار زیاد خواهد شد. سنت رسول الله که شامل سخنان، اعمال و تأییدات ایشان است گنجینه‌ای بسیار باارزش از گنجینه‌هایی اسـت کـه در دسـترس مـا هستند والحمد لله کتاب‌های سنت زیاد است.

باید از کتاب‌های مقدماتی و به تدریج شروع کرد که خیر فراوانی در بر دارد، مثلاً از اربعین نووی شروع کن، بعد ریاض الصالحین کـه باز هم از امام نووی است، بعد کتاب: "اللولـوء والمرجـان فیمـا اتفـق علیه الشیخان" همچنین مختصر بخاری و مختصر مسلم و کتاب‌های حدیث دیگر، مهم این است که شما نظیر این‌ها را بخوانی.

زمینه‌ی سوم: مطالعه‌ی علوم شرعی. با کمـک گـرفتن از علمـا یـا کسانی که در زمینه‌ی مطالعه از تو جلوترند می‌توانی برای مطالعه در زمینه‌ی علوم شرعی برنامه‌ریزی کنی. علوم اسلامی زیاد اسـت، پـس بکوش از هر باغی گلی بچینی و در هر زمینه‌ای از زمینـه‌هـای علـوم

شرعی کتابی مطالعه کنی که این کار به شما پشتوانه‌ی بسیار خوبی می‌دهد و برایت پایه‌ی استواری می‌سازد که می‌توانی بعد از آن إن شاء الله ساختمان بزرگی بر آن بنا کنی؛ بایستی از کتاب‌های ساده و مختصر شروع کنی، سپس با مرور زمان به آن توسعه ببخشی، به عنوان مثال می‌توانی کتاب‌های زیر را تهیه کنی که از خلال آن خواهی توانست زیربنای محکمی از علوم اسلامی را بنا کنی:

۱- "مختصر تفسیر ابن کثیر"، کتاب بسیار زیبایی در تفسیر قرآن کریم است. از امتیازات این کتاب سادگی در اسلوب و آسانی در عبارت است. می‌توانی از جزء عم و تبارک شروع کنی، و بعد از آن تفسیر سوره‌هایی را بخوانی که از حفظ داری، مانند (بقره ، کهف، یس، واقعه) سعی کن جدولی برای مطالعه‌ی آن تهیه کنی و بکوش به آن پایبند باشی.

۲- کتاب "فقه السنه" جزء اول از احکام نماز و زکات و روزه و حج سخن می‌گوید که این کتاب برای انجام عبادات به شکلی صحیح آن گونه که الله عزوجل به آن امر کرده بسیار مهم است.

۳- کتاب "الإیمان" تألیف دکتر محمد نعیم یاسین" کتابی بسیار ساده در زمینه‌ی عقاید اسلامی است. مؤلف در این کتاب از کیفیت ایمان به الله و فرشتگان و کتاب‌های الهی و روز آخرت و ایمان به قضا و قدر سخن می‌گوید.

۴- "مختصر منهاج القاصدین" که در زمینه‌ی مسائل اخلاقی و روحی و بیماری‌های قلبی و کیفیت معالجه‌ی آن، کتابی سودمندی است و به بعضی آفت‌های اخلاقی همچون غضب و بخل پرداخته است. از چگونگی توبه سخن می‌گوید و این که چگونه الله را دوست

بداری و چگونه الله تو را دوست بدارد؟ این کتاب حقیقتاً کتابی سودمندی است.

۵- کتاب "اخلاق اسلامی" تألیف شیخ محمد غزالی که در زمینه‌ی فهم اخلاق اسلامی برای هر مومن، یسیار سودمند است.

۶- "المرأة في التصور الإسلامي" تألیف دکتر عبدالمتعال جبری رحمه الله که در زمینه‌ی ارزش زن و نقش آن و شبهاتی که پیرامون آن ایجاد شده و جواب به آن شبهات، کتابی مهم و قوی است. این کتاب نه تنها برای زنان بلکه برای مردان نیز مفید است. [این کتاب تحت عنوان "زن در اندیشه اسلامی" به فارسی ترجمه و منتشر شده است.]

۷- "الرحیق المختوم" تألیف عبدالرحمن مبارکپوری که موضوع آن شرح ساده‌ی سیرت رسول الله ﷺ از تولد تا وفات است. با مطالعه‌ی این کتاب می‌توانی تصوری اجمالی از زندگی برترین خلق و خاتم پیامبران به دست آوری. [این کتاب نیز به عناوین مختلف ترجمه و چاپ شده است.]

۸- "نمونه‌هایی از حیات صحابه" تألیف عبدالرحمن رأفت پاشا، که در زمینه‌ی زندگی بعضی از اصحاب پیامبر ﷺ کتابی جالب است و از امتیازات کتاب لغت زیبا و اسلوب آسان و معلومات زیاد آن است.

۹- "ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمین" تألیف ابوالحسن ندوی که در شرح وضعیت مردم پیش از اسلام و این که اسلام چگونه مفاهیم رایج در بین مردم را تغییر داد و تصحیح کرد، کتاب بسیار مهمی است. اگر چه دوست داشتم که مؤلف اسم کتاب را از "بانحطاط مسلمین" بتأخر المسلمین" تغییر می‌داد ولی در کل کتابی ممتاز و زیباست.

۱۰- کتاب "من روائع حضارتنا" تألیف دکتر مصطفی السباعی رحمه الله. این کتاب از زیباترین و شیواترین کتاب‌هایی است که درباره‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی و مقدار ترقی و پیشرفتی که مسلمانان در زمینه‌های مختلف فرهنگی به آن دست یافته‌اند نگاشته شده است.

همچنین در زمینه‌ی شرح احادیث نبوی می‌توانی کتاب "جامع العلوم والحکم" تألیف ابن رجب حنبلی مطالعه کنید که بیش از پنجاه حدیث از احادیث رسول الله ﷺ را با شیوه‌ای بسیار زیبا و منظم شرح داده است.

همچنین کتاب "العبادة في الإسلام" دکتر یوسف قرضاوی که این کتاب در شرح معنی عبادت در اسلام و بیان شمولیت آن بر همه‌ی امور زندگی کتابی پرمایه است.

این‌ها بعضی مثال‌های گذرا بود و شکی نیست که کتاب‌های بسیار مهم دیگری نیز وجود دارد ولی مهم شروع کردن است.

زمینه‌ی چهارم: مطالعه در زمینه‌های تخصصی است. هر چند این جنبه از اهمیت زیادی برخوردار است اما می‌بینیم بسیاری از کسانی که پایبند به دین هستند و به خصوص دانشجویان دانشگاه‌ها بسیار کوتاهی می‌ورزند. بنابراین مطالعه در زمینه‌ی تخصص‌های دنیوی بی‌نهایت مهم است. پزشک باید در زمینه‌ی پزشکی مطالعه کند و مهندس در زمینه‌ی مهندسی و شیمی‌دان در زمینه‌ی شیمی و جغرافی‌دان در زمینه‌ی جغرافی و بدین صورت هر یک در تخصص خودش باید مطالعه داشته باشد.

همیشه مطالب جدید را مطالعه کن. سطح سوادت را نیکو بگردان و توانمندی‌ها و استعدادها و امکانات خودت را بالا ببر. مطالعه در این زمینه بسیار مهم است. ما از مهندس نمی‌خواهیم رشته‌ی خود را رها کند و در زمینه‌ی فقه متخصص شود؛ از فیزیک‌دان نمی‌خواهیم فیزیک را ترک کند و متخصص تفسیر شود، بلکه ما اگر چه به متخصصان شریعت نیاز داریم نیازمان به دانشمندان زیست‌شناسی شدیدتر است.

یک‌بار به جشن فارغ‌التحصیلی تعدادی از فارغ‌التحصیلان دانشکده‌ی علوم دعوت شدم و حاضران از مسایل مهمی که ممکن است در آینده در زندگی عملی‌شان مفید باشد پرسیدند. بنده عرض کردم: بنده در ابتدا می‌دانم که شما اکنون به مسایل کار و کسب و ازدواج مشغول هستید و شکی نیست که این قضایا مهم است، ولی اولین نصیحتم به شما این است که مسیر علمی‌تان را کامل کنید و برتری‌تان در زمینه‌ی درسی‌تان را ادامه دهید. شایسته است همه‌ی حاضران برای کارشناسی ارشد و دکترا ثبت نام کنند و چرا نه؟ آیا کسانی که برای کسب این درجات علمی ثبت نام می‌کنند از مسلمانی که به دینش متعهد و پایبند است برتر و ممتازتر است؟ بر عکس، مسلمان مومن پایبند به دین انگیزه‌های والاتر زیادی برای کسب علم دارد، زیرا او هدفش از کسب علم رضای الله متعال و بهشت است؛ همچنین قصدش آبادانی زمین و نفع رساندن به بشریت و خدمت به انسانیت است. همه‌ی این‌ها از مومن ساخته است.

زمینه‌ی پنجم: مطالعه‌ی در زمینه‌ی تاریخ است که بسیار مهم است.

در جاهای مختلف زیادی از اهمیت تاریخ سخن گفته‌ام. تاریخ فوق‌العاده مهم است. همین بس که یک سوم قرآن تاریخ است. یک سوم قرآن از داستان‌های گذشتگان سخن می‌گوید. هدف از آن روشن است که عبارت باشد از استخراج عبرت‌ها و اندیشیدن درباره‌ی حوادث و استنباط سنت خدای متعال در دنیا و در میان آفریدگانش.

هرچند همه‌ی تاریخ مهم است اما رعایت اولویت لازم است. مهم‌ترین چیزی که مطالعه می‌کنیم تاریخ رسول الله ﷺ است، سپس تاریخ خلفای راشدین، سپس بقیه‌ی تاریخ اسلامی، پس از این‌ها تاریخ غیراسلامی است. در موضوع سیرت رسول الله ﷺ در ابتدا می‌توانید از این کتاب‌ها استفاده کنید: از کتاب "الرحیق المختوم" تألیف مبارکفوری - چنان که قبلاً اشاره کردیم شرح ساده از سیرت نبوی از تولد تا وفات است، بعد از آن کتاب "سیره ابن هشام"، "فقه السیره" تألیف بوطی، "فقه السیره" تألیف غزالی و کتاب‌های دیگر که زیاد است. همچنین خواندن تاریخ خلفاء راشدین نیز مهم است که بایستی از کتاب "اتمام الوفاء فی سیره الخلفاء" تألیف خضری بک شروع کنید.

همچنین نیاز دارید درباره‌ی صحابه‌ی پیامبر ﷺ مطالعه کنید، که می‌توانی در این زمینه از کتاب "صور من حیاة الصحابه" عبدالرحمن رأفت پاشا (که قبلاً به آن اشاره شد) شروع کنید.

از کتاب‌هایی که تحلیل‌های مهمی بر تاریخ اسلامی دارد می‌توان از کتاب‌های "ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمین" تألیف ابوالحسن ندوی رحمه الله، کتاب "من روائع حضارتنا" تألیف دکتر مصطفی السباعی رحمه الله و کتاب "حماة الإسلام" تألیف مصطفی نجیب رحمه

الله نام برد. این کتاب واقعاً جالب و شیواست. این کتاب‌ها اطلاعاتت را توسعه می‌بخشد و درهایی زیادی را در برابر چشمانت می‌گشاید، درهایی که دشمنانت در حد توانشان کوشیده‌اند به رویت ببندند.

زمینه‌ی ششم: بعد از تاریخ، مطالعه‌ی واقعیت‌ها (مسائل‌روز) مهم می‌نماید.

این زمینه بسیار مهم و حساس است، و در عین حال مطالعه‌ی آن برای مسلمان بافرهنگِ آگاه واجب است. منظورم از واقعیت، واقعیتی است که در آن زندگی می‌کنیم؛ مطالعه‌ی وقایع سیاسی، اقتصادی و علمی در جهان. مطالعه‌ی این وقایع در کشورت و در کشورهای اسلامی و به طور عموم در کشورهای جهان.

شکی نیست که تغییرات سیاسی که در جهان رخ می‌دهد تأثیر بسیار زیادی بر امت اسلام خواهد گذاشت، و اگر عملاً می‌خواهی امت اسلامی را به پا کنی، پس شایسته است که به صورتی دقیق بدانی پیرامونت در سطح جهانی و منطقه‌ای چه می‌گذرد؛ این گفته که سخن از سیاست جزء منکرات یا محرمات است سخنی پوچ و بی‌ارزش است و تلاش‌هایی که برای ترویج این دیدگاه صورت گرفته ناکام مانده است.

بنابراین سیاست و اقتصاد و تجارت و کشاورزی و جنگ‌ها و معاهدات اجزاء جداناپذیر اسلام‌اند، در حالی که بعضی دعوتگران به این امور اهمیت نمی‌دهند و در نتیجه از زندگی مردم و واقعیتشان کناره می‌گیرند و از همین رو بر آنان تأثیرگذار نیستند و نمی‌توانند وضعیت آنان را تغییر دهند.

بایستی به صورتی گذرا روزنامه‌ها را پی‌گیری کنی و از روزنامه‌های مختلف داخلی، خارجی و دیگر کشورهای اسلامی و غیراسلامی، اطلاع یابی و سایت‌های خبری جهان مثل "بی بی سی" و "سی إن إن" را مورد مورد پی‌گیری قرار دهی، ولی هنگام خواندن اخبار باید از گمراه‌سازی هدفمند و غیرهدفمند برحذر باشی و تلاش کن بین اخبار مقایسه کنی، بعد از مدت زمانی که گذشت بدون شک به قدرت تشخیص بالایی دست می‌یابی که می‌توانی بین درست و اشتباه، حقیقت و دروغ تشخیص دهی.

زمینه‌ی هفتم: از جمله زمینه‌های مطالعه که بسیار در آن کوتاهی می‌ورزیم خواندن نظر دیگران است.

با کمال تأسف بسیاری از ما توان شنیدن یا خواندن نظر دیگری را نداریم. حتی بعضی‌ها نمی‌توانند نظر عالم مسلمانی را بخوانند یا بشنوند که به مکتب فکری ایشان منسوب نیست، تا چه رسد به این که نظر آنانی را بخوانند که به کلی اندیشه‌ی اسلامی را ندارند! در حالی که همه می‌دانیم: "حکمت گمشده‌ی مومن است و هرجا آن را بیابد او به آن سزاوارتر است".

ما نیاز داریم که نظرات دیگران را بخوانیم و با دیدگاهشان و دلایلشان و آرایشان آشنا شویم. ما نیاز داریم افکار مکاتب غیر اسلامی را نیز بخوانیم. مسلمانانی هستند که دیدگاه‌های غیراسلامی دارند: قومیتی، لائیک، غربگرا، ملی، سوسیالیستی و بعضی‌شان دیدگاه‌های منفعتی دارند که فقط به منافع شخصی‌شان می‌اندیشند. باید بخوانیم که این‌ها چگونه می‌نویسند و چگونه می‌اندیشند و طرح و برنامه‌هایشان چیست؟

از این نیز پا فراتر نهاده و می‌گویم ما نیاز داریم که نوشته‌های غیرمسلمانان را نیز بخوانیم. ما نیاز داریم بدانیم که یهود چگونه می‌اندیشد؟ مسیحیان چگونه می‌اندیشند؟ حکام و دانشمندان و ادیبان غربی و شرقی چگونه می‌اندیشند؟ ما نیاز داریم خاطرات "نیکسون"، "ریگان"، "بوش"، "کلینتون"، "کیسنجر"، "دیوید کوک" و دیگران را بخوانیم. ببینیم نگاهشان به ما مسلمانان چگونه است؟ چگونه کشورداری می‌کنند؟ چگونه با ما می‌جنگند و چگونه با ما پیمان صلح می‌بندند؟

این جنبه‌ی بسیار مهمی است. نیاز داریم برای آن وقت بگذاریم و شکی نیست که هنگام مطالعه و شنیدن نظرات دیگران معلوماتمان بسیار توسعه می‌یابد و باید همیشه در ذهنت این باشد که: "شروع گوش دادن دیگران به تو این است که تو به آنان گوش فرا دهی."

زمینه‌ی هشتم: خواندن شبهاتی که درباره‌ی اسلام مطرح کرده‌اند و روش جواب دادن به آن‌ها.

شبهاتی که از زمان نزول رسالت تاکنون درباره‌ی اسلام مطرح کرده‌اند خیلی زیاد است. آنچه می‌دانیم و به آن یقین داریم این است که اسلام دینی کامل بدون عیب یا اشتباه است، زیرا از جانب پروردگار جهانیان است، ولی بسیاری از ما دلایل قانع‌کننده برای پاسخ به شبهه نداریم و بسیاری از ما از حقی که با ماست و بر آن هستیم آگاه نیستیم. در این زمان نیز شبهات پیرامون دین بزرگمان زیاد شده و برای آن‌ها کنفرانس‌ها تشکیل شده و اموال هنگفتی هزینه شده و نیروهای زیادی بسیج شده است. وظیفه‌ی ماست که به این شبهات جواب دهیم و حجت را با حجت و برهان را با برهان در هم کوبیم.

دیدگاه اسلام درباره‌ی زن چیست؟ جواب ما به کسی که می‌گوید اسلام با زور شمشیر انتشار یافته چیست؟ پاسخ ما به آنانی که می‌گویند اجرای حدود شرعی، از مردم ملتی معلول و دست و پا بریده می‌سازد چیست؟

پاسخ ما به کسانی که اسلام را دین ترور و خشونت و دگم‌اندیشی و واپس‌گرایی می‌دانند چیست؟ تمام این شبهات سخنانی مردود است و پاسخ‌های عقلی، منطقی، قوی و قانع‌کننده دارند، فقط وظیفه داریم مطالعه کنیم و می‌توانیم در این زمینه از کتاب "شبهات حول الإسلام" اثر استاد محمد قطب و کتاب "حقائق الإسلام و أباطيل خصومه" تألیف عقاد و کتاب "الاسلام فی قفص الاتهام" دکتر شوقی ابو خلیل و کتاب‌های دیگر که زیاد است، کمک بگیریم.

زمینه‌ی نهم که نیاز به مطالعه دارد و شاید غریب جلوه کند در زمینه‌ی کودکان است!

بسیاری مواقع از برنامه‌مان خارج می‌شود که تربیت کودکان، علمی است که اصول و فنون خاص خود را داراست. کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده زیاد است از جمله، کتاب "تربية الأولاد في الإسلام" اثر عبدالله ناصح علوان است، و نیز دیگر کتاب‌هایی که دانشمندان علوم تربیتی درباره‌ی روان‌شناسی کودکان و نیازهایشان نوشته‌اند.

ما نیاز داریم در زمینه‌ی داستان کودکان نیز مطالعه کنیم تا بتوانیم در خواندن داستان هدفمند برای کودکان در باشگاه یا مسجد یا منزل روش مناسب را به کار گیریم.

عقل‌های کودکان خیلی بزرگ‌تر از آن چیزی است که خیال می‌کنیم، و توان فراگیری‌شان خیلی بیش‌تر از چیزی است که ما به

آنان ارائه می‌دهیم. مناسب نیست آنچه در ذهن و عقل کودکان مسلمان وجود دارد بعضی فیلم‌های کارتن باشد که گاهی دربردارنده‌ی خشونت و تحریک جنسی است. علوم مهم و ارزشمندی هست که اگر با شیوه‌ی مناسب عرضه شود کودکان می‌توانند آن‌ها را یاد بگیرند.

مهارت در آموزش کودکان در گرو خواندن کتاب‌های تربیتی و داستان کودکان است و شکی نیست که اگر موفق شویم نسلی دوستدار مطالعه و علم را به وجود آوریم، وضعیت امت اسلامی إن شاء الله به وضعیت بهتری تغییر خواهد یافت.

زمینه‌ی دهم و پایانی که خواندن و مطالعه در آن لازم است- اگر چه یقین دارم که زمینه‌های مهم دیگری نیز وجود دارد که به آن نپرداخته‌ام- مطالعه‌ی سرگرمی و تفریحی است!

نفس بشری خسته می‌شود و به استراحت و تفریح نیاز دارد و هیچ مانعی ندارد که مسلمان قسمتی از وقتش را به مطالعه‌ی مطالب سرگرم‌کننده و شادی‌آور بپردازد. هیچ مانعی ندارد اشعار زیبا مطالعه کند. اخبار ورزشی، کاریکاتور یا بعضی لطیفه‌های زیبا را بخواند، ولی لازم است در این زمینه به دو چیز مهم پایبند باشد:

اول: نباید از برنامه و روش اسلامی خارج شود، یعنی مثلاً خواندن داستان‌های غیراخلاقی که تشویق‌کننده به رذیلت است و یا دختران را وا می‌دارد که بدون اطلاع خانواده با دوست پسر ملاقات کند و این را محبتی شرافتمندانه بنامند، جایز نیست؛ نباید شعری که با عفت منافات دارد مطالعه کرد که به سبب آن گناهکار می‌شویم.

دوم: وقتی که برای مسائل تفریحی و سرگرم‌کننده می‌گذرانیم نباید زیاد باشد، زیرا ما امتی اهل جدیت هستیم، گاهی در این

زمینه‌ها برای رفع خستگی از تن مطالعه می‌کنیم؛ امتی سست و بی‌فکر نیستیم که تنها بعضی لحظات جدی باشیم.

مواردی که بیان شد ده زمینه بود که می‌شود مطالعه را به وسیله‌ی آن‌ها شروع کرد، البته راه مطالعه راهی طولانی است ولی نهایتش بسیار زیباست. رسول الله ﷺ در حدیثی که امام مسلم روایت نموده است می‌فرماید: (**وَ مَنْ سَلَکَ طَرِيقاً يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْماً سَهَّلَ اللهُ لَهُ بِهِ طَرِيقاً إِلَى الْجَنَّةِ**): «کسی که راهی را به قصد طلب علم بپیماید، خداوند به سبب آن راهی را برای او به سوی بهشت هموار می‌گرداند.»

از الله عزوجل می‌خواهیم راه علم را برای ما آسان بگرداند و راه‌های بهشت را برای ما هموار بگرداند و در دین آگاهمان سازد و آنچه برایمان سودمند است به ما یاد دهد و توفیق عنایت فرماید تا از چیزهایی که یاد گرفته‌ایم نفع ببریم، زیرا او کاردان آن و توانا بر آن است. آنچه را برایتان باز گفتم به یاد خواهید داشت و کارم را به خدا می‌سپارم که بی‌گمان او نسبت به بندگان آگاه است، والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.







ISBN 978-964-198-047-6

شیراز، خیابان زند، جنب بانک ملی شعبه کوثر، پاساژ صاحب الزمان، تلفن: ۲۳۰۵۶۳۰

Web Site: www.ilaf.ir